



عید غدیر،

عید مؤمنان یا عید کافران؟!



دیگر عیدها و شیعیان نیز اعیادی دارند، مانند عید غدیر که فکر می‌کنند پیامبر ﷺ علی علیه السلام را در آن روز برای خلافت نصب فرمود. ^(۱)

نقد و تحلیل

سلمان بن فهد العوده از وهابیان متعصب دیرینه است که اخیراً از مواضع تند خود توبه و رویکرد ملایمی به خود گرفته و در مقالات و خطبه‌های خود تکفیر و خشونت را نکوهش کرده است، و چنین وانمود کرده است که از این به بعد به ترویج خشونت نمی‌پردازد و به وحدت کلمه کمک خواهد کرد، ولی متأسفانه در این مقاله، «عهد را شکسته و پیمان را نادیده گرفته

روزنامه الجزیره در عربستان در شماره ۱۲۷۹۹، مقاله‌ای از دکتر سلمان العوده به نام عید سعید فطر منتشر نمود که در آن، این جمله‌ها آمده بود:

«عیدهای ملت‌های کافر، مربوط به امور دنیوی آنهاست، مثلاً روزی که دولتی پدید می‌آید، یا دولتی سقوط می‌کند، یا حاکمی منصوب می‌گردد یا پادشاهی تاجگذاری می‌کند، و گاهی مربوط به فصول سال است، مانند اول بهار و نظیر آن. یهود نیز برای خود اعیادی دارند و مسیحیان نیز اعیادی دارند، و یکی از اعیاد آنان، عید روز پنجشنبه‌ای است که در آن، مائده‌ای از آسمان برای عیسی مسیح و حواریین او فرود آمده است، و همچنین

۱. روزنامه الجزیره، مورخ ۲ شوال ۱۴۲۸، به نقل از سایت «راصد».

است». و به مواضع پیشین خود بازگشته و به مفهوم «العودة» که نام فامیل او است، تحقق بخشیده است. ما نظر ایشان را به چند نکته جلب می‌کنیم:

۱. او می‌گوید: ملت‌های کافر، روزهایی را عید می‌گیرند، مانند تأسیس دولت یا سقوط آن، ایشان با این جمله، به اکثریت ملت و دولت عربستان اهانت کرده و آنان را کافر شمرده است، زیرا همین دولت و ملت سال ۱۴۱۹ قمری را به عنوان یکصدمین سالگرد تأسیس دولت سعودی جشن گرفتند و از همه جای جهان، شخصیت‌ها را به ریاض دعوت کردند و به این دولت تبریک گفتند. آیا ملک فهد که در رأس این دعوت بود و مشایخ و علمایی که در آن مراسم حضور داشتند، همه کافر بودند؟

۲. می‌گوید: یکی از اعیاد مسیحیان، عید پنجشنبه آخر سال است که در آن مائده آسمانی بر مسیح و حواریان نازل شده است. بسیار جای تأسف است که در امّ القری، و مرکز نزول وحی الهی، عید گرفتن چنین روزی، را چون عید کافران

شمرده می‌شود، در حالی که قرآن، این عید را نتیجه دعا و درخواست حضرت مسیح از خداوند بزرگ می‌داند که ﴿قَالَ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ عِيدًا لَأَوْلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (مائده/ ۱۱۴).

«عیسی فرزند مریم گفت: بارالها پروردگارا از آسمان خوانی برای ما فرود آور تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از جانب تو، و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی».

البته مسیحیان، هر چند از نظر قرآن، امت کافری هستند، ولی این سبب نمی‌شود همه اعمال آنان را حتی عیدی را که حضرت عیسی بن مریم برای آنان تا روز قیامت به رسمیت شناخته است، انکار کنیم.

۳. او، عید غدیر را در ردیف عیدهای کافران شمرده و عملاً یک چهارم مسلمانان را که شیعیان باشند، کافر خوانده است. با این کار، عهد و پیمان خود را شکسته است. فرض کنید عید غدیر، عید اسلامی نباشد و بدعتی بیش

خطاب قرار دادند: «بِخ بَخ لَكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ لَقَدْ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ».

«مبارک باد! ای ابوالحسن تو سرور من و سرور هر مرد و زن با ایمان شده‌ای!». تبریک گویی صحابه را در آن روز، شصت تن از علمای اهل سنت، نقل کرده‌اند. و امام صادق علیه السلام از پدران و نیاکان خود نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز غدیر از بهترین اعیاد امت من است، و آن روزی است که خدا به من فرمان داد تا برادرم علی علیه السلام را به عنوان پیشوای امت نصب کنم تا پس از من به وسیله او رهبری شوند و آن روزی است که خدا دین خود را تکمیل کرد و نعمت خود را بر امت من به پایان رساند و اسلام را به عنوان یک دین برای آنان برگزید. (۲)

شایسته گفتار است که طارق بن شهاب از اهل کتاب، به عمر بن خطاب گفت: اگر آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» برای ما نازل می‌شد، روز نزول آن را عید می‌گرفتیم. این سخن را گفت و عمر بن

نباشد، ولی آیا با یک بدعت گروهی از دایره اسلام خارج شده و از امت‌های کافر به شمار می‌آیند؟!.

اصولاً ارزان‌ترین و رایج‌ترین کلمه در میان وهابیان اتهام به شرک و کفر و بدعت و خروج از دین است. تو گویی ملائک شرک و توحید و کفر و ایمان در دست آنان است که خود را موحد و مؤمن و دیگران را مشرک و کافر بخوانند. وی اگر از تاریخچه غدیر آگاه بود، و از گفتار پیامبر در آن روز، اطلاع صحیحی داشت، شاید این جمله را نمی‌گفت. حدیث غدیر را ۱۲۰ صحابی و ۸۴ تابعی و ۳۶۰ عالم سنی نقل کرده‌اند و خداوند، در آن روز برای علی بن ابی طالب علیه السلام مقام و منصبی را عطا فرمود که سرانجام پیامبر به یاران خود فرمود: همگی برخیزید و با علی علیه السلام به عنوان امیر مؤمنان سلام بگویند و بیعت کنند. فرمود: «سلموا علی علی بامرة المؤمنین».

حتی در میان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، شیخین، علی علیه السلام را با این جمله مورد

خطاب و کسانی که در آن مجلس بودند، به او اعتراضی نکردند. (۳)

خوشبختانه در هر روزگاری که فشار اموی‌ها و عباسی‌ها از بین می‌رفت، امت اسلامی، آن روز را عید می‌گرفتند و در لابلای تاریخ، به این مطلب، اشاراتی هست:

۱. ابن خلکان در ترجمه المستعلی ابن المستنصر عباسی می‌گوید: روز عید غدیر خم روز هیجدهم ذی‌الحجه از سال ۴۸۷ مردم با او بیعت کردند.

۲. او در ترجمه المستنصر بالله می‌گوید: وی در شب پنجشنبه، در هیجدهم ذی‌الحجه سال ۴۸۷ درگذشت، آنگاه اضافه می‌کند: و آن همان شب عید غدیر خم است. (۴)

۳. مسعودی پس از ذکر حدیث غدیر می‌نویسد: فرزندان علی و شیعیان این روز را بزرگ می‌شمارند. (۵)

۴. ثعالبی پس از ذکر شب غدیر می‌گوید: این همان شبی است که در روز

آن رسول خدا ﷺ در غدیر خم بر روی جهازهای شتر سخنرانی کرد.

در هر حال، در روز غدیر به اتفاق امت، حادثه مهمی اتفاق افتاده زیرا پیامبر خدا ﷺ در آن روز کاروان‌های حج را متوقف نمود و سخنان تاریخی خود را بیان کرد. آیا تجدید این خاطره که به امر خدا انجام گرفته است، عین توحید است یا شرك، و حفظ سنت است یا محو سنت؟! کسی نمی‌گوید که در روز غدیر باید فطره داد یا نماز عید را خواند، هر چه هست، يك نوع اظهار شادمانی برای این مقام و موقعیتی است که به یکی از بزرگ‌ترین یاران پیامبر اعطا شد.

به راستی باید گفت: اصولاً هیچ نوع معیاری برای خطیبان حرمین شریفین و نویسندگان این دو منطقه وجود ندارد و نباید هم باشد زیرا از دم، خمار دلارهای نفتی هستند و فکر می‌کنند در پیشگاه خدا حسابی نخواهند داشت، و سیعلمون من أصحاب الصراط السوی ومن اهتدی.

۳. طبری، ج ۶، ص ۴۶؛ ابن کثر، ج ۲، ص ۱۳. عبارت او این بود: لآخذنا یوم نزولها عیداً.

۴. وفیات الأعیان، ترجمه المستعلی والمستنصر.

۵. التنبیه والاشراف، ص ۲۲۱.